



## دعاهای امام صادق (ع)

ادعیه منتخب کافی، فصل دهم: ذکر دعاهای مختصر برای حوائج دنیا و آخرت و آنچه در اینجا ذکر می گردد سی دعاست.

۲۴. روایت شده: حضرت صادق علیه السلام این دعا را می خواندند:

يَا مَنْ يُشْكِرُ الْيُسَيْرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ وَهُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي ذَهَبْتُ لَدَيْهَا وَ  
بَقِيَتْ تَبِعْتُهَا

ای آن که اندک را قدردانی می کنی، و از بسیار، درمی گذاری، و او آمرزنده و مهربان است، گناھانی را که خوشی  
هایش از میان رفته، و مکافاتش همچنان مانده برایم بیامرز.

۲۵. و نیز روایت شده: آن حضرت این دعا را می خواندند:

يَا نُورِ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْأَخِيرِينَ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ

ای نور، ای بسیار مقدس، ای آغاز آغازها، و ای پایان پایان ها، ای بخشاینده، ای مهربان، برایم بیامرز گناھانی را  
که نعمت ها را دگرگون می سازد،



وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُحِلُّ النَّعْمَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ  
الْبَلَاءَ

و گناھانی را که انتقام ها را فرود می آورد، و گناھانی را که پرده ها را می درد، و گناھانی را که بلاها را نازل می نماید،

وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ  
الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ

و گناھانی را که دشمنان را پیروز می کند، و گناھانی را که نابودی را زود می آورد، و گناھانی را که امید را قطع می کند،

وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغَطَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ  
الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدِّغِيثَ السَّمَاءِ

و گناھانی را که هوا را تاریک می کند، و گناھانی را که پرده های حرمت را کنار می زند، و گناھانی را که دعا را باز می گرداند، و گناھانی را که از باران آسمان پیش گیری می کند.

۲۶. و نیز این دعا از آن حضرت نقل شده :



## يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي، وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، وَيَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي، وَيَا غِيَاثِي فِي رَغْبَتِي

ای ذخیره من در گرفتاری ام و ای یار من در سختی ام و ای سرپرست من در نعمتم و ای دادرس من در اشتیاقم

و آن حضرت فرموده: این دعا دعای امیر مؤمنان علیه السلام است:

## اللَّهُمَّ كَتَبْتَ الْأَثَارَ وَعَلِمْتَ الْأَخْبَارَ وَأَطَّلْتَ عَلَى الْأَسْرَارِ فَحَلَّتْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقُلُوبِ فَالْسَّرُّ عِنْدَكَ عَلَانِيَةً

خدایا آثار را نوشتی، و اخبار را دانستی، و بر اسرار آگاه شدی، و میان ما و دلها پرده شدی، پنهان نزد تو آشکار است،

## وَالْقُلُوبُ إِلَيْكَ مُفْضَاةٌ وَأَمَّا أَمْرُكَ لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْتَهُ أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَقُلْ بِرَحْمَتِكَ لِبَطَاعَتِكَ أَنْ تَدْخُلَ فِي كُلِّ عَضْوٍ مِنْ أَعْضَائِي

دلها به درگاہت راز گشاده اند، و تنها فرمانت برای چیزی آنگاه که آن را اراده کنی، این است که به او بگویی باش، پس بشود، بنابر این از باب رحمتت به طاعتت بگو در هر عضوی از اعضای من وارد شود،



## وَلَا تَفَارِقْنِي حَتَّى أَلْقَاكَ وَقَلِّ بِرَحْمَتِكَ لِمَعْصِيَتِكَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ كُلِّ عَضْوٍ مِنْ أَعْضَائِي فَلَا تَقْرُبْنِي حَتَّى أَلْقَاكَ

و از من جدا نشود، تا تو را ملاقات کنم، و از باب رحمتت به معصیتت بگو از هر عضوی از اعضای من خارج شود، و به من نزدیک نگردد تا تو را ملاقات کنم،

## وَأَرْزُقْنِي مِنَ الدُّنْيَا وَزَهَّدْنِي فِيهَا وَلَا تَزُوْهَاعَنِّي وَرَغْبَتِي فِيهَا يَا رَحْمَنُ

و از دنیا نصیبم ده، و در آن بی رغبتم کن، و از آن درحالی که رغبت در آن دارم محرومم منما، ای بخشاینده.

۲۷. علی بن ابراهیم از پدرش، از ابن محبوب، از علاء بن رزین، از عبد الرحمن بن سیّاب روایت کرده: حضرت صادق علیه السلام این دعا را به من عطا فرمود:

## الْحَمْدُ لِلَّهِ وَوَلِيِّ الْحَمْدِ وَأَهْلِهِ وَمُنْتَهَاهُ وَمَحَلُّهُ أَخْلَصَ مَنْ وَحَدَّ وَأَهْتَدَى مَنْ عَبْدُكَ وَفَازَ مَنْ أَطَاعَهُ وَ أَمِنَ الْمُعْتَصِمُ بِهِ

ستایش خدای را، سرپرست ستایش و شایسته ستایش و نهایت و جایگاه آن است، اخلاص ورزید آن که یگانه اش دانست، و ره یافت آن که او را پرستید، و رستگار شد آن که از او اطاعت نمود، و چنگ زنده به او ایمنی یافت،



اللَّهُمَّ يَا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَالشَّانِ الْجَمِيلِ وَالْحَمْدِ أَسْأَلُكَ مَسْئَلَةً مَنْ خَضَعَ لَكَ بِرِقَبَتِهِ وَرَغِمَ لَكَ أَنْفُهُ

خدایا ای دارای بخشش و بزرگواری، و ثنای نیک و ستایش، از تو می خواهم، خواستن کسی که با تمام وجودش  
برایت فروتن گشته، و خود را در برابرت خوار نموده،

وَعَفَّرَ لَكَ وَجْهَهُ وَذَلَّلَ لَكَ نَفْسَهُ وَفَاضَتْ مِنْ خَوْفِكَ دُمُوعُهُ وَتَرَدَّدَتْ عِبْرَتُهُ وَاعْتَرَفَ لَكَ  
بِذُنُوبِهِ

و چهره اش را برایت به خاک ساییده، و جانش را برایت به خواری افکنده، و اشک هایش از بیمت جاری گشته، و  
سرشکش پیاپی ریزان شده، و به گناهانش در برابرت اعتراف کرده،

وَفَضَحَتْهُ عِنْدَكَ خَطِيئَتُهُ وَشَانَتْهُ عِنْدَكَ جَرِيرَتُهُ فَضَعُفَتْ عِنْدَ ذَلِكَ قُوَّتُهُ وَقَلَّتْ حِيلَتُهُ وَانْقَطَعَتْ  
عَنْهُ أَسْبَابُ خَدَائِعِهِ

و خطایش او را نزد تو رسوا نموده، و جنایتش او را نزد تو زشت ساخته، پس کنار این امور نیرویش ضعیف شده،  
و چاره اش کم گشته، و وسایل نیرنگ هایش از او بریده،

وَاصْمَحْ لَّ عَنْهُ كُلُّ بَاطِلٍ وَالْجَائِئُهُ ذُنُوبُهُ إِلَى ذُلِّ مَقَامِهِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَخُضُوعِهِ لَدَيْكَ وَابْتِهَالِهِ إِلَيْكَ

و هر باطلی از او پاشیده شد، و گناهانش او را به خواهی مقامش در برابرت، و خضوع در پیشگاهت، و زاری به  
سویت وادار نموده است،



أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ سُؤَالَ مَنْ هُوَ بِمَنْزِلَتِهِ أَرْغَبُ إِلَيْكَ كَرَّ غَبْتِهِ وَاتَّضَرَّعُ إِلَيْكَ كَتَضَرُّعِهِ وَابْتِهَلُ إِلَيْكَ كَأَشَدِّ ابْتِهَالِهِ،

از تو می خواهم خدایا، خواستن آن که به منزله اوست، به تو رغبت می نمایم مانند رغبت او، و زاری می کنم به پیشگاه تو مانند زاری او، و ناله می کنم به درگاهت به شدیدترین ناله او،

اللَّهُمَّ فَارْحَمِ اسْتِكَانَةَ مَنْطِقِي وَذُلَّ مَقَامِي وَمَجْلِسِي وَخُضُوعِي إِلَيْكَ بِرَقَبَتِي

خدایا به درماندگی گفتارم، و خواری مقام و جایگاهم، و به خضوع به درگاهت با همه وجودم رحم کن،

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الْهُدَى مِنَ الضَّلَالَةِ وَالْبَصِيرَةَ مِنَ الْعَمَى وَالرُّشْدَ مِنَ الْغَوَايَةِ

از تو می خواهم خدایا، هدایت از گمراهی را، و بینایی از کوردلی را، و رشد از بیراهه را،

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَكْثَرَ الْحَمْدِ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَأَجْمَلَ الصَّبْرِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَأَفْضَلَ الشُّكْرِ عِنْدَ مَوْضِعِ الشُّكْرِ

و از تو می خواهم خدایا ستایش بسیار را هنگام آسایش، و صبر زیباتر را به گاه مصیبت، و شکر برتر را در جایگاه شکر،



والتَّسْلِيمِ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ وَأَسْأَلُكَ الْقُوَّةَ فِي طَاعَتِكَ وَالضَّعْفَ عَنِ مَعْصِيَتِكَ وَالْهَرَبَ إِلَيْكَ مِنْكَ

و تسلیم تو شدن را به هنگام شبهه ها، و از تو می خواهم نیرومندی در طاعتت، و سستی از معصیتت، و گریز به سویت را از خویش،

والتَّقَرُّبَ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى وَالتَّحَرِّيَ لِكُلِّ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي فِي إِسْحَاطِ خَلْقِكَ التَّمَا سَأَلُ رِضَاكَ رَبِّ مَنْ أَرْجُوهُ

و تقرّب به حضرتت را پروردگارا تا راضی شوی، و جستجو کردن از هرچه که تو را از من خشنود می سازد، در به خشم آوردن بندگانت، از روی طلب خشنودی ات پروردگارا به که امید بندم،

إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي أَوْ مَنْ يَعُودُ عَلَيَّ إِنْ أَقْصَيْتَنِي أَوْ مَنْ يَنْفَعُنِي عَفْوُهُ إِنْ عَاقَبْتَنِي

اگر به من رحم نکنی، یا که از من احوال گیرد، اگر مرا دورم کنی، یا کیست که گذشتش به من سود دهد، اگر تو مجازاتم نمایی،

أَوْ مَنْ أَمَلُ عَطَايَاهُ إِنْ حَرَمْتَنِي أَوْ مَنْ يَمْلِكُ كِرَامَتِي إِنْ أَهَنْتَنِي أَوْ مَنْ يَضُرُّنِي هَوَانُهُ إِنْ أَكْرَمْتَنِي،

یا کیست که عطاهایش را آرزو کن، اگر محرومم کنی، یا کیست که کرامتم را به دست گیرد، اگر تو مرا پست نمایی، یا کیست که سبک داشتنش به من زیان رساند، اگر تو مرا گرامی داری؟



رَبِّ مَا سُوءَ فِعْلِي وَأَقْبَحَ عَمَلِي وَأَقْسَى قَلْبِي وَأَطْوَلَ أَمَلِي وَأَقْصَرَ أَجَلِي وَأَجْرَانِي عَلَى عِصْيَانِ  
مَنْ خَلَقَنِي

پروردگارا چه بد است رفتارم، و چه زشت است کردارم، و چه دراز است آرزویم، و چه کوتاه است عمرم، و چه  
گستاخم بر نافرمانی کسی که مرا آفرید؟

رَبِّ وَمَا أَحْسَنَ بِلَاءِكَ عِنْدِي وَأَظْهَرَ نِعْمَ أَنَّكَ عَلَيَّ كَثُرَتْ عَلَيَّ مِنْكَ النِّعْمُ فَمَا أَحْصِيهَا

پروردگارا، چه نیکوست آزمایشت پیش من، و آشکار است نعمتهایت بر من، نعمتهایت بر من زیاد شد، نمی دانم  
آنها را شماره کنم،

وَقَلَّ مِنِّي الشُّكْرُ فِيمَا أَوْلَيْتَنِيهِ فَبَطِرْتُ بِالنِّعَمِ وَتَعَرَّضْتُ لِلنِّقَمِ وَسَهَوْتُ عَنِ الذِّكْرِ وَرَكِبْتُ الْجَهْلَ  
بَعْدَ الْعِلْمِ

و در آنچه سزاوار احسانم کردی سپاسم کم شد، به نعمتها راه فساد پیش گرفتم، و خود را در معرض انتقام قرار  
دادم، از ذکر غافل شدم پس از دانایی به مرکب نادانی سوار گشتم،

وَجُرْتُ مِنَ الْعَدْلِ إِلَى الظُّلْمِ وَجَاوَزْتُ الْبِرَّ إِلَى الْأَمْرِ ثُمَّ وَصِرْتُ إِلَى اللّهُوِّ مِنَ الخَوْفِ وَالْحُزْنِ

از عدالت به سوی ستم گذشتم، و از نیکی به گناه تجاوز کردم، و از ترس از عاقبت و اندوه بر خود به دنیای لهو و  
بازی باز گشتم،





فَمَا أَصْغَرَ حَسَنَاتِي وَأَقَلَّهَا فِي كَثْرَةِ ذُنُوبِي وَأَعْظَمَهَا عَلَى قَدْرِ صِغَرِ خَلْقِي وَضَعْفِ رُكْنِي

پس چه کوچک است خوبی هایم، و کم است در برابر کثرت گناهانم، و چه بزرگ است آنها در کنار کوچکی خلقتم، و سستی بنیادم؟

رَبِّ وَمَا أَطْوَلَ أَمَلِي فِي قِصْرِ أَجَلِي وَأَقْصَرَ أَجَلِي فِي بُعْدِ أَمَلِي وَمَا أَقْبَحَ سَرِيرَتِي فِي عَلَانِيَتِي

پروردگارا چه دراز است آرزویم، در برابر کوتاهی عمر، و چه کوتاه است عمرم در برابر دوری آرزویم، و چه زشت است باطنم در برابر ظاهرم؟

رَبِّ لَا حُجَّةَ لِي إِنْ أَحْتَجُّتُ وَلَا عُذْرَ لِي إِنْ اعْتَذَرْتُ،

پروردگارا حجتی ندارم اگر احتجاج کنم، و عذر قابل قبولی برایم نیست، اگر عذرخواهی کنم،

وَلَا شُكْرَ عِنْدِي إِنْ ابْتَلَيْتُ وَأُولِيْتُ إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَى شُكْرٍ مَا أُولَيْتُ رَبِّي مَا أَخَفَّ مِيزَانِي غَدًا إِنْ لَمْ تُرَجِّحْهُ

و سپاسی نزد من نیست اگر آزمایش شوم یا مورد احسان قرار گیرم، اگر بر سپاس آنچه به من احسان کردی یاری ام ندهی، پروردگارم فردای قیامت چه سبک است میزان کارهایم اگر آن را سنگین نکنی،



وَأَزَلَّ لِسَانِي إِنْ لَمْ تُثَبِّتْهُ وَأَسْوَدَ وَجْهِي إِنْ لَمْ تُبَيِّضْهُ رَبِّ كَيْفَ لِي بِذُنُوبِي الَّتِي سَلَفَتْ مِنِّي قَدْ  
هُدَّتْ لَهَا أَرْكَانِي

و چه لغزان است زبانم، اگر استوارش ننمایی، و چه سیاه است رویم اگر سپیدش نکنی، پروردگارا چه کنم با  
گناهانم که از من سرزده و پایه های هستی ام در برابر آنها درهم شکسته،

رَبِّ كَيْفَ أَطْلُبُ شَهْوَاتِ الدُّنْيَا وَأَبْكَى عَلَى خِيَّتِي فِيهَا وَلَا أَبْكَى وَتَشْتَدُّ حَسْرَاتِي عَلَى  
عِصْيَانِي وَتَفْرِيطِي

چگونه شهوات دنیا را طلب می کنم، و بر محرومیتهم از آنها می گریم، درحالی که نمی گریم و شدید نمی شود  
حسرت هایم بر عصیان و تقصیر؟

رَبِّ دَعَعْتَنِي دَوَاعِيَ الدُّنْيَا فَاجَبْتُهُا سَرِيْعًا وَرَكَعْتُ إِلَيْهَا طَائِعًا وَدَعَعْتَنِي دَوَاعِيَ الْآخِرَةِ فَتَثَبَّتْ عَنْهَا  
وَأَبْطَأْتُ فِي الْإِجَابَةِ

پروردگارا داعیان دنیا و دعوتهم کردند، با شتاب اجابت نمودم، و به میل و رغبت به آن دل بستم، داعیان آخرت  
دعوتهم نمودند، از آن باز ماندم ماه از پاسخ دادن

وَالْمُسَارَعَةَ إِلَيْهَا كَمَا سَارَعْتُ إِلَى دَوَاعِيَ الدُّنْيَا وَحُطَامِهَا الْهَامِدِ وَهَشِيمِهَا الْبَائِدِ وَسَرَابِهَا الذَّاهِبِ

و شتاب به سوی آن کندی کردم، چنان که به جانب دواعی دنیا، و کالای پوسیده اش، و گیاه فنا پذیرش، و نمای  
از بین رونده اش شتافتیم!!



رَبِّ خَوْفَتْنِي وَشَوْفَتْنِي وَاحْتَجَّتْ عَلَيَّ بَرِقِي وَتَكَفَّلَتْ لِي بِرِزْقِي فَأَمِنْتُ خَوْفَكَ وَتَبَطَّتْ عَنِّي  
تَشْوِيقَكَ وَلَمْ أَتَّكِلْ عَلَى ضِمَانِكَ وَتَهَاوَنْتُ بِاحْتِجَاجِكَ،

پروردگارا مرا بیم دادی و تشویق نمودی، و بر من به بندگی ام احتجاج کردی، و عهده دار روزی ام شدی، به نادرستی از بیمت ایمن شدم، و از تشویقت بازماندم، و بر ضمانتت اعتماد نکردم، و احتجاجت را سبک انگاشتم!!

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ أَمْنِي مِنْكَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا خَوْفًا وَحَوْلًا تَبْطِي شَوْقًا وَتَهَاوُنِي بِمُحِيتِكَ فَرَقَامِنِكَ ثُمَّ رَضِّنِي  
بِمَا قَسَمْتَ لِي مِنْ رِزْقِكَ

خدایا ایمنی ام را از تو در این دنیا هراس قرار ده، و بازماندندم را به شوق تبدیل کن، و سبک شمردندم را نسبت به حجتت به بیم از خودت بازگردان، سپس از روزی ات به آنچه نصیب من نموده ای خشنودم کن،

يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ رِضَاكَ عِنْدَ السُّخْطَةِ وَالْفُرْجَةَ عِنْدَ الْكُرْبَةِ وَالنُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ  
وَالْبَصِيرَةَ عِنْدَ تَشْبِهِهِ الْفِتْنَةِ

ای بزرگواری، از تو می خواهم به حق نام بزرگت، خشنودی ات را هنگام خشم، و گشایش را زمان گرفتاری، و نور را به گاه تاریکی، و بصیرت را وقت مشتبه شدن فتنه،



رَبِّ اجْعَلْ جُنَّتِي مِنْ خَطَايَا حَصِينَةٍ وَدَرَجَاتِي فِي الْجَنَانِ رَفِيعَةً وَأَعْمَالِي كُلَّهَا مُتَقَبَّلَةً وَحَسَنَاتِي  
مُتَضَاعَفَةً زَكِيَّةً

پروردگارا سپرم را از خطاهایم محکم گردان، و درجاتم را در بهشت بلند فرما، و همگی اعمال را پذیرفته قرار ده،  
و حسناتم را چند برابر و پاک گردان.

أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتَنِ كُلِّهَا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَمِنْ رَفِيعِ الْمُطْعَمِ وَالْمُشْرَبِ وَمِنْ شَرِّ مَا أَعْلَمُ وَمِنْ شَرِّ  
مَا لَا أَعْلَمُ

به تو پناه می آورم از همه فتنه ها چه آنچه آشکار است چه پنهان، و از خوراکیها و آشامیدنی های فاجر و گران  
قیمت، و از شر آنچه می دانم، و نمی دانم.

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَشْتَرِيَ الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ وَالْجُفَا بِالْحِلْمِ وَالْجُورَ بِالْعَدْلِ وَالْقَطِيعَةَ بِالْبِرِّ وَالْجَزَعَ بِالصَّبْرِ أَوْ  
الْهُدَى بِالصَّلَاةِ أَوْ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ

و به تو پناه می آورم، از اینکه بخرم نادانی را به دانش، و جفا را به بردباری، و ستم را به عدالت، و قطع رحم را به  
نیکی، و بی تابی را به شکیبایی، و هدایت را به گمراهی، و کفر را به ایمان.

مؤلف گوید: این دعا مشتمل بر مضامین بلندی است، و عبد الرحمن بن سیابه همان کسی است، که  
حضرت صادق علیه السلام او را وصیت سودمندی فرموده که بیانش در اینجا شایسته است، عبد  
الرحمن نقل کرده: وقتی پدرم سیابه از دنیا رفت، مردی از دوستانش در منزل ما را کوبید، من به  
سویش رفتم، به من تسلیت گفت سپس پرسید: پدرت چیزی برای شما گذاشته؟ گفتم: نه! کیسه ای



که هزار دهم در آن بود به من داد و گفت نیکو محافظت کن و با آن به کسب معاش برخیز، من خوشحال شده، نزد مادرم رفتم، و او را به این مسئله خبر دادم، در پایان آن روز نزد یکی از دوستان پدرم رفتم که برای من کسی مهیا کند، او برایم سرمایه ای از جامه های سابری خرید، در مغازه ای نشستم، و مشغول کسب شدم حق تعالی مرا از آن کسب خیر بسیاری نصیب فرمود، وقت حج رسید، به قلبم افتاد به حج روم، نزد مادر رفته و او را به حج رفتنم خبر کردم، مادر گفت هزار دهم آن مرد را بازگردان، پول آن مرد را تهیه و به او پرداختم، مانند اینکه پول را به او بخشیدم خوشحال شد ولی به من گفت: شاید پولی که به تو دادم کم بوده، و نتوانستی با آن کسب کنی، اگر خواهی بیش از این در اختیار بگذارم، گفتم نه، قصد حج دارم، خواستم پول شما را بازگردانم، به مکه رفتم، اعمال حج را بجا آوردم، به مدینه شرفیاب شدم و با گروهی از مردم در وقتی که اذن عام می دادند خدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم، چون جوان بودم و ناشناخته، آخر جمعیت نشستم، مردم شروع به پرسش کردند، و حضرت پاسخ آنان را لطف می فرمود، پس از گرفتن جواب می رفتند، تا جمعیت کم شد، حضرت به جانب من اشاره کردند و فرمودند: آیا حاجتی داری؟ گفتم: فدایت شوم، من عبد الرحمن بن سیابه هستم. احوال پدرم را پرسیدند. گفتم: از دنیا رفت، محزون و غمگین شدند، گویا حضرت را دردی گرفت، فرمودند: خدا او را رحمت کند. پرسیدند: چیزی گذاشت؟ گفتم: نه. فرمودند: از کجا توانستی به حج بیایی؟ قصه آن مردی را که هزار درهم به من داد شروع کردم، حضرت فرصت تمام کردن قصه را ندادند و فرمودند: حج آمدی، هزار درهم آن مرد را چه کردی؟ گفتم: به صاحبش بازگردانم. فرمود: احسنت، سپس فرمود: آیا تو را وصیتی نکنم؟ گفتم: چرا، فرمودند: به راستی در گفتار، و ادای امانت ملازمت کن تا با مردم در اموالشان شریک شوی، آنگاه بین دو انگشت خود را جمع کرد، یعنی اگر گفتارت صادقانه شد، و دروغ نگفتی، و خلاف وعده نکردی، و در موعد معینی که وعده کردی مال مردم را بازگردانی، و حق مردم را نخوری از مردم هرچه خواهی به تو می دهند، روی این حساب، به خاطر امانت و صداقتی که در تو وجود دارد شریک مردم در اموالشان می شوی. من این وصیت را از حضرت حفظ کردم، یعنی به آن عمل



کردم، و آنقدر مال یافتم که زکات سیصد هزار دهم را پرداختم. در روایت دیگری وارد شده: این دعای حضرت علی بن الحسین علیه السلام است و در پایانش این اضافه قرار دارد: امین رب العالمین .

۲۸. از ابن محبوب روایت شده: حضرت صادق علیه السلام این دعا را تعلیم شخصی فرمود که بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي لَا تُنَالُ مِنْكَ إِلَّا بِرِضَاكَ وَالْخُرُوجِ مِنْ جَمِيعِ مَعَاصِيكَ وَالِدُخُولِ فِي كُلِّ مَا يُرْضِيكَ

خدایا از تو می خواهم به حق رحمتت که به آن نرسند جز به خشنودی تو و خارج شدن از همه نافرمانیها و ورود در هر آنچه که تو را خشنود می سازد،

وَالنَّجَاةِ مِنْ كُلِّ وَرْطَةٍ وَالْخُرُوجِ مِنْ كُلِّ كَبِيرَةٍ آتِي بِهَا مِنِّي عَمْدًا أَوْ زَلَّ بِهَا مِنِّي خَطَاؤٌ أَوْ خَطَرَ بِهَا عَلَيَّ خَطَرَاتُ الشَّيْطَانِ

و نجات از هر چاه هلاکتی، و بیرون شدن از هر گناه کبیره ای که عمدی آن را از من به میان آورده، یا خطایی مرا به آن لغزانده، یا وسوسه های شیطان به خاطرم افکنده،

أَسْأَلُكَ خَوْفًا تَوْقِنِي بِهِ عَلَى حُدُودِ رِضَاكَ وَتَشَعَّبَ بِهِ عَنِّي كُلُّ شَهْوَةٍ خَطَرَ بِهَا هَوَايَ وَأَسْتُنِزِلُ بِهَا رَأْيِي لِئِمَّا وَزَحَدًا حَلَالِكَ

از تو هراسی می خواهم که مرا به وسیله آن بر مرزهای خشنودی ات بازداري، و با آن هر شهوتی را از من که هوسم آن را به خاطر اندازد و به آن رأیم لغزانده شود تا از مرز حلالیت درگذرم پراکنده نمایی،



أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الْأَخْذَ بِأَحْسَنِ مَا تَعَلَّمُ وَتَرَكِ سَيِّئِ مَا تَعَلَّمُ أَوْ أَخْطِئُ مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ أَوْ مِنْ حَيْثُ أَعْلَمُ  
أَسْأَلُكَ السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ،

خدایا از تو می خواهم به نیکوترین چیزی که از من می دانی از من بپذیری، و به هرچه که از من می دانی، یا  
خطا کنم از آنجا که نمی دانم، یا از آنجا که می دانم واگذاری، از تو می خواهم وسعت در روزی،

وَالزُّهْدَ فِي الْكَفَافِ وَالْمُخْرَجَ بِالْبَيَانِ مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ وَالصَّوَابَ فِي كُلِّ حُجَّةٍ وَالصَّدْقَ فِي جَمِيعِ  
المَوَاطِنِ

و قناعت بر مقدار کفاف، و درآمدن با منطق روشن از هر شبهه، و درستی در هر دلیل، و راستی در همه میدان

ها

وَأَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِي فِيمَا عَلَيَّ وَوَلِيَّ وَالتَّذَلُّلَ فِي إِعْطَاءِ النَّصْفِ مِنْ جَمِيعِ مَوَاطِنِ السَّخَطِ وَالرِّضَا

و انصاف دادن به مردم از جانب خود، در آنچه به زیان یا سود من است، و فروتنی در دادن انصاف در تمام مراحل  
خشم و خشنودی،

وَتَرَكِ قَلِيلِ الْبُغْيِ وَكَثِيرِهِ فِي الْقَوْلِ مِنِّي وَالْفِعْلِ وَتَمَامِ نِعْمِكَ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَالشُّكْرَ لَكَ عَلَيْهَا  
لِئَلَّا تُرْضَا وَبَعْدَ الرِّضَا

و ترک تجاوز چه اندک و چه بسیارش از جانب خود در گفتار و کردار، و تمام کردن نعمت هایت در همه چیز، و  
سپاس گذاری ات بر آنها، تا خشنود شوی و فوق خشنودی،



وَأَسْأَلُكَ الْحَيْرَةَ فِي كُلِّ مَا يَكُونُ فِيهِ الْحَيْرَةُ بِمَيِّسُورِ الْأُمُورِ كُلِّهَا لَا بِمَعْسُورِهَا

و از تو خیر می خواهم در هر چه در آن خیر است، به تمام کارهای آسان نه به دشوارش،

يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ وَافْتَحْ لِي بَابَ الْأَمْرِ الَّذِي فِيهِ الْعَافِيَةُ وَالْفَرْجُ وَافْتَحْ لِي بَابَهُ،

ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار در کاری که در آن تندرستی کامل و گشایش است برایم بگشا،

وَيَسِّرْ لِي مَخْرَجَهُ وَمَنْ قَدَّرْتَ لَهُ عَلَى مَقْدُورَةٍ مِنْ خَلْقِكَ فَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَلِسَانِهِ

و درش را برایم بگشا، و بیرون آمدنش را برایم آسان کن، و هر که را از بندگانت مقدر نموده ای بر من قدرتی داشته باشد، گوشش و چشمش، و زبانش و دستش را از من باز گیر،

وَيْدِكَ وَخُذْهُ عَنِ يَمِينِهِ وَعَنْ يَسَارِهِ وَمَنْ خَلْفَهُ وَمِنْ قَدَامِهِ وَأَمْنَعُهُ أَنْ يَضِلَّ إِلَيَّ بِسُوءٍ عَزَّ جَارُكَ وَ  
جَلَّ شَأْنُ وَجْهِكَ

و او را از جانب راست و چپ و پشت سر و پیش رویش بگیر، و از این که به من بدی برساند بازش بدار، پناهنده ات عزیز است، و ثنای جلوه ات بس برجسته است،

وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ كُرْبَةٍ وَأَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ شِدْقَةٍ





معبودی جز تو نیست، تو پروردگار منی، و من بنده توام، خدایا تو در هر گرفتاری امید منی، و در هر سختی اطمینان منی،

وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤَادُ وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِمْلَةُ

و تو در هر حادثه ای که بر من وارد شود، برای من تکیه گاه و ذخیره ای، چه بسا گرفتاری که دل از آن ناتوان شود، و چاره در آن گم گردد،

وَيَسْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ وَتُعِي فِيهِ الْأُمُورُ أَنْزَلْتَهُ بِكَ وَشَكْوَتُهُ إِلَيْكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ قَدْ فَرَجْتَهُ وَكَفَيْتَهُ

و دشمن به آن شماتت نماید، و مرا در آن گرفتاری، وسایل به زحمت اندازند. آن را نزد تو آوردم، و شکایتش را نزد تو نمودم، در آن از غیر تو به تو رغبت دارم، به تحقیق آن را گشودی، و از آن کفایت کردی

فَأَنْتَ وَلِيٌّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ فَلَاكَ الْحَمْدُ كَثِيرًا وَأَوْلَاكَ الْمُنُّ فَاضِلًا

پس تویی سرپرست هر نعمت، و یاور هر حاجت، و نهایت هر رغبت، ستایش بسیار تورا ست، و احسان برتر از آن توست

۲۹. به سند معتبر روایت شده: حضرت صادق علیه السلام این دعا را به ابو بصیر تعلیم داد که بخواند:



اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَّابِينَ وَعَمَلَهُمْ وَنُورَ الْأَنْبِيَاءِ وَصِدْقَهُمْ وَنَجَاةَ الْمُجَاهِدِينَ وَثَوَابَهُمْ

خدایا از تو می خواهم، گفتار توبه کاران و عملشان را، و نور پیامبران و صدقشان را، و نجات جهاد کنندگان و پاداششان را،

و شُكْرَ الْمُصْطَفِينَ وَنَصِيحَتَهُمْ وَعَمَلَ الذَّاكِرِينَ وَيَقِينَهُمْ وَإِيمَانَ الْعُلَمَاءِ وَفِقَهُهُمْ وَتَعَبُدَ الْحَاشِعِينَ

و شکر برگزیدگان و خیرخواهی شان را، و کردار ذاکران و یقینشان را، و ایمان دانشمندان و فهمشان را، و بندگی فروتنان

و تَوَاضُعَهُمْ وَحُكْمَ الْفُقَهَاءِ وَسِرَّتَهُمْ وَخَشْيَةَ الْمُتَّقِينَ وَرَغْبَتَهُمْ وَتَصَدِيقَ الْمُؤْمِنِينَ وَتَوَكُّلَهُمْ

و تواضعشان را، و حکم فقیهان و روششان را، و ترس پرهیزگاران و شوقشان را، و باور مؤمنان و توکلشان را،

و رَجَاءَ الْمُحْسِنِينَ وَبِرَّهُمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ وَمَنْزِلَةَ الْمُقَرَّبِينَ وَمُرَافَقَةَ النَّبِيِّينَ

و امید نیکوکاران و نیکوکاری شان را، خدایا از تو می خواهم پاداش شاکران، و مقام مقربان، و رفاقت پیامبران را،



اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَوْفَ الْعَامِلِينَ لَكَ وَعَمَلَ الْخَائِفِينَ مِنْكَ وَخُشُوعَ الْعَابِدِينَ لَكَ وَيَقِينَ  
الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَتَوَكُّلَ الْمُؤْمِنِينَ بِكَ

خدایا از تو می خواهم ترس کارکنان برایت، عمل بیم داران از حضرتت، و خشو عابدان درگاهت، و یقین متوکلان بر ذاتت،

اللَّهُمَّ إِنَّكَ بِحَاجَتِي عَالِمٌ غَيْرُ مُعَلِّمٍ وَأَنْتَ لَهَا وَاسِعٌ غَيْرُ مُتَّكِلٍ وَأَنْتَ الَّذِي لَا يُحْصَى سَائِلٌ  
وَلَا يَنْقُصُ نَائِلٌ

خدایا به حاجتم دانایی بی آنکه آموخته باشی، و تو به برآوردنش بدون هیچ زحمتی توانایی، و تویی که هیچ سائلی خسته ات نکند، و عطابخشی از تو نکاهد،

وَلَا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلٌ قَائِلٍ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فَرْجًا قَرِيبًا وَاجْرَأَ عَظِيمًا وَ  
سِتْرًا جَمِيلًا،

و گفتار گوینده ای به ستایشت نرسد، تو چنان که خود می گویی، و برتر از آن که ما می گوییم، خدایا برایم گشایش نزدیک و پاداش بزرگ و پرده پوشی زیبا قرار بده،

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ إِنِّي عَلَى ظُلْمِي لِنَفْسِي وَإِسْرَافِي عَلَيْهَا لَمْ أَخِذْ لَكَ ضِدًّا وَلَا نِدًّا وَلَا صَاحِبَةً وَلَا وِلْدًا

خدایا تو می دانی که من با وجود ستم بر نفسم، و زیاده روی به زبان خوشتم، برای تو ضدی و همتایی و فرزندی برنگرفتم،



يَا مَنْ لَا تُغَلِّطُهُ الْمَسَائِلُ وَيَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ وَلَا سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ وَلَا بَصَرٌ عَنْ بَصَرٍ  
وَلَا يُبْرِمُهُ الْحَاحُ الْمَلْحِينُ

ای که درخواستها او را به اشتباه نیندازد، و ای که چیزی از چیزی سرگرمش نکند، و نه گوش دادنی از گوش دادنی دیگر، و نه دیدنی از دیدنی دیگر، و اصرار اصرارکنندگان به ستوهش نیاورد،

أَسْأَلُكَ أَنْ تَفَرِّجَ عَنِّي فِي سَاعَتِي هَذِهِ مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ إِنَّكَ تُحْيِي الْعِظَامَ وَ  
هِيَ رَمِيمٌ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

از تو می خواهم در این ساعت از جایی که گمان می برم، و از جایی که گمان نمی برم به من گشایش دهی، تو استخوان ها را زنده می کنی درحالی که پوسیده است، زیرا تو بر هرچیز توانایی،

يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَعَظَمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَرَأَى عَلَيَّ الْمَعَاصِيَ فَلَمْ يُجَبِّهْنِي وَ  
خَلَقْنِي

ای که سپاسم برای او کم شد ولی محرومم نکرد، و خطایم بزرگ شد ولی رسوایم ننمود، و مرا بر انجام گناهان دید ولی دست رد به سینه ام نزد، و مرا آفرید



لِلَّذِي خَلَقَنِي لَهُ فَصَنَعْتُ غَيْرَ الَّذِي خَلَقَنِي لَهُ فَنِعْمَ الْمَوْلَى أَنْتَ يَا سَيِّدِي وَبِئْسَ الْعَبْدُ أَنَا وَجَدْتَنِي وَ  
نِعْمَ الطَّالِبُ

برای آنچه مرا برای آن آفرید ولی رفتاری غیر از آنچه برای آن آفرید انجام دادم، پس چه خوب مولایی هستی تو  
ای آقای من، و بد بنده ای هستم من، مرا یافتی، و چه خوب جوینده ای هستی

أَنْتَ رَبِّي وَبِئْسَ الْمَطْلُوبُ الْفَيْتَنِي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ بَيْنَ يَدَيْكَ مَا شِئْتَ صَنَعْتُ بِئِي،

تو ای پروردگارم، و چه بد طلب شده ای هستم که مرا یافتی، بنده توام، فرزند بنده ات، فرزند کنیزت پیش روی  
توام، آنچه خواهی انجام دهی،

اللَّهُمَّ هِدَاتِ الْأَصْوَاتِ وَسَكَنَاتِ الْحَرَكَاتِ وَخَلَائِكُ حَبِيبِ بِحَبِيبِهِ وَخَلُوتُ بِكَ أَنْتَ الْمَحْبُوبُ  
إِلَى

خدایا آوازه‌ها خاموش شد، و جنبش‌ها آرام گرفت، و هر دوستی با دوستش خلوت کرد، و من با تو خلوت گزیدم،  
تو محبوب منی،

فَاجْعَلْ خَلُوتِي مِنْكَ اللَّيْلَةَ الْعِثْقَ مِنَ النَّارِ يَا مَنْ لَيْسَتْ لِعَالَمٍ فَوْقَهُ صِفَةٌ يَا مَنْ لَيْسَ لِلْخُلُوقِ دُونَهُ مَنَعَةٌ

پس در این شب خلوتم را با حضرتت، آزادی ام از آتش قرار ده، ای که برای دانشمندی برتر از او صفتی نیست،  
ای که برای مخلوقی در برابرش عزتی نمی باشد،



يَا أَوَّلُ قَبْلِ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا آخِرَ أَبْعَدِ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ عُنْصُرٌ وَيَا مَنْ لَيْسَ لِآخِرِهِ فَنَاءٌ وَيَا أَكْمَلَ  
مَنْعُوتٍ

ای آغاز پیش از هر چیز، و ای پایان پس از هر چیز، ای که عنصر و ماده ای برایش نیست، ای که برای پایانش  
فناپی وجود ندارد، ای کامل ترین وصف شده،

وَيَا أَسْمَحَ الْمُعْطِينَ وَيَا مَنْ يَفْقَهُ بِكُلِّ لُغَةٍ يُدْعَى بِهَا وَيَا مَنْ عَفُوهُ قَدِيمٌ وَبَطْشُهُ شَدِيدٌ وَمَلِكُهُ  
مُسْتَقِيمٌ

ای با گذشت ترین عطاکننده، ای که به هر زبانی خوانده شود می فهمد، ای که گذشتش دیرینه، و حمله اش  
سخت، و فرمانروایی اش استوار است،

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَافَهُتَ بِهِ مُوسَى يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا إِلَهَ الْإِلَهِاتِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّمَدُ

از تو می خواهم به حق نامی که با آن بی پرده با موسی سخن گفתי، ای خدا، ای بخشاینده، ای مهربان، ای که  
معبودی جز تو نیست، خدایا تو بی نیازی،

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ

از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و مرا به رحمتت وارد بهشت کنی.